

واکاوی تفسیری آیه ۱۴۳ سوره بقره در تعیین وحدت مصداقی امت وسط با امت مسلمه بر پایه دیدگاه علامه طباطبایی

رضوانه نجفی سوادرودباری*

چکیده

در بررسی مفهوم وسط در آیه ۱۴۳ بقره آراء تفسیری مختلفی بیان شده است که وسط را به معنای عدالت، برگزیده، اعتدال احکام اسلامی و اعتدال خود امت، تفسیر نموده‌اند. آنچه که با مضمون آیه تناسب دارد، وسط به معنای «واسطه» است که گروهی از امت، واسطه بین رسول و امت هستند و دستورات الهی را به مردم ابلاغ می‌نمایند. در تعیین مصداق امت وسط نیز نظریات مختلفی بیان شده است که اصحاب پیامبر، تابعین، فرقه‌های مذهبی اهل سنت، از جمله آنها است. در نوشتار حاضر با روش استدلالی تبیین گردید، آنچه که از آیات سوره حج استفاده می‌شود، امت وسط با امت مسلمه که در دعای حضرت ابراهیم در آیات سوره بقره آمده است، از نظر مصداق یکی است می‌باشد و در سوره حج دو ویژگی عصمت و ذریه حضرت ابراهیم بودن برای شاهدان اعمال ذکر شده است که با توجه به آیات ۵۹ نساء و ۵۵ مائده و آیه تطهیر که دلالت بر عصمت امیرمؤمنان و اهل بیت رسول اکرم علیهم‌السلام دارد، اثبات می‌گردد که آنها فقط مصداق امت وسط و امت مسلمه‌اند و شاهد اعمال امت در قیامت هستند و رسول اکرم نیز شاهد بر اعمال آنهاست.

واژگان کلیدی

آیه ۱۴۳ بقره، امت وسط، امت مسلمه، وحدت مصداقی امت.

طرح مسئله

قرآن کریم در سوره بقره با توصیف امت اسلامی به امت وسط، آنها را نسبت به امت‌های دیگر برتری داده است و آنها را از بین امت‌های انبیاء، ممتاز نموده است. ویژگی‌هایی را برای امت اسلامی بیان کرده است که نشانگر جایگاه برتر آنها می‌باشد و آن امتیاز عبارت است از شاهد بودن امت اسلامی بر اعمال امت‌های دیگر «وَكذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا»^۱. مدلول آیه کریمه از زمان نزول همواره مورد توجه مسلمانان و مفسران قرآن کریم بوده است، اینکه مفهوم وسط چیست؟ معیار این شهادت چیست و چرا امت اسلامی می‌تواند بر علیه امت‌های دیگر شهادت بدهند؟ در شهادت حس معتبر است یعنی انسان با یکی از قوای حسی خود مورد شهادت را حس می‌کند، مثلاً در مورد دیدنی‌ها باید با چشم ببیند و در مورد شنیدنی‌ها با قوه سامعه بشنود؛ این چه خصوصیت و ویژگی در امت اسلامی است که به وسیله آن به ظاهر و باطن اعمال امت‌های دیگر اطلاع پیدا می‌کند و شهادت می‌دهد؟ مصداق این شهدا چه کسانی‌اند؟ آیا همه امت اسلامی حتی گناهکاران امت هستند یا بعضی از امت شأنیت مقام شهادت بر اعمال امت‌های دیگر را دارند؟ خصوصیات این گروه از امت چیست؟ آیا در قرآن به نشان‌ها و ویژگی این گروه اشاره شده است؟ آیا می‌توان از آیات قرآن مصادیق آنها را مشخص کرد و معین نمود؟ اینها سؤالاتی است که مقاله حاضر در صدد پاسخگویی به آنها می‌باشد.

پیشینه پژوهش

مطالبی در توضیح آیه شریفه از طرف مفسران قرآن کریم، ارائه شده است و مقالاتی نیز در این زمینه چاپ شده است، از جمله مقاله «رهنمودهایی از تفسیر المیزان امت وسط یا امت واسطه» آقای حسین سوزنچی، *مجله آموزش قرآن و معارف* (۱۳۸۶: ۶۴ / ۷ - ۴)، به‌طور اختصار نظر علامه را بیان کرده است. و مقاله «امت وسط و خطر افراط و تفریط» سید احمد زرھانی، (۱۳۹۳: ۳۶ / ۷ - ۵)، *مجله مطالعات تقریب مذاهب اسلامی*، درباره تقریب مذاهب مطالبی را ذکر کرده است و مقاله «اهل بیت علیهم‌السلام شاهدان اعمال»، احسان احسان‌پور و عبدالهادی مسعود، نشریه *کتاب سنت* (۱۳۹۴: ۷ / ۵۲ - ۳۵) که به تفسیر آیه ۱۰۵ سوره توبه پرداخته است. مقالات فوق‌الذکر موضوعاً خارج از مقاله حاضر می‌باشد.

همچنین «مقاله امت وسط از دیدگاه مفسران فریقین» نقی غیائی و قدرت‌الله نیازی، ۱۳۹۵، که در *مجله مطالعات تفسیری* (شماره ۲۵، ۸۲ - ۶۱) چاپ شده است که با مقاله حاضر از چندین جهت عمده که هدف اصلی مقاله حاضر است، متفاوت می‌باشد و از جمله آن تفاوت‌ها عبارت است از:

۱. مقاله مذکور حول محور تبیین مفهوم وسط و نقض و ابرام اقوال مفسران دور می‌زند که بخش بیشتر مقاله به این مطلب اختصاص یافته است، ولی در مقاله حاضر به این بخش به‌طور اختصار به عنوان مقدمه برای هدف اصلی که اثبات امت وسط بودن اهل بیت علیهم‌السلام می‌باشد اشاره شده است.
۲. در بیان وحدت امت وسط با امت مسلمة که مورد درخواست حضرت ابراهیم می‌باشد به آیه ۱۲۸ سوره بقره استناد جسته است و شاهدی از قرآن بر یکی‌بودن آن با امت وسط ارائه نشده است، ولی در مقاله حاضر در بیان وحدت مصداقی امت وسط با امت مسلمة علاوه بر آیه ۱۲۸ بقره به آیات ۷۷ و ۷۸ سوره حج به عنوان شاهد جمع، تمسک شده است. در این سوره همچنین بر عنوان امت مسلمة که درخواست حضرت ابراهیم در آیه ۱۲۸ بقره برای ذریه خود بود و هم بر شاهد اعمال بودن امت مسلمة تصریح شده است و همچنین بر عصمت آن شاهدان تأکید گردیده است، لکن در مقاله مذکور در این زمینه سخنی گفته نشده است و نیز در مقاله حاضر علاوه بر آیه ۷۷ سوره حج که به عصمت شاهدان اعمال تمسک شده است به آیات دیگری از قرآن درباره عصمت شاهدان اعمال اشاره شده است.
۳. در مقاله مذکور تعیین مصداق امت وسط عمدتاً به روایات منقول از ائمه معصومین علیهم‌السلام استناد شده است که مورد قبول طرف مقابل نیست، درحالی‌که در مقاله حاضر در این جهت فقط به آیات قرآن استناد شده است و با جمع‌بندی و در کنار هم قرار گرفتن آیات متعدد به وحدت امت وسط و امت مسلمة و انحصار آن در اهل بیت پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم استدلال شده است.

معنای لغوی وسط

کلمه وسط کاربردهای مختلفی دارد و در سه شکل استعمال می‌شود: وسط با سکون سین طرفیت را می‌رساند؛ چیزی که در میان قرار گرفته باشد مانند جلست وسط القوم.^۱ وسط به فتح سین اسم ثلاثی مجرد می‌باشد که گاهی به معنای اسمی به کار می‌رود و به معنای مساوی بودن دو طرف یک چیز، مثل وسط ریسمان که دو طرف آن مساوی هم می‌باشند.^۲ استعمال سوم وسط به صورت وصفی می‌باشد که در این صورت معانی مختلفی پیدا می‌کند:

الف) خیر، برتر و نیکوتر^۳

ب) چیزی که میان خوب و بد باشد^۴ و بین افراط و تفریط واقع شود.^۵ به نظر راغب وسط به فتح

۱. ابن منظور، *لسان العرب*، ج ۷، ص ۴۲۸؛ فیومی، *مصباح المنیر*، ص ۹۰۸.

۲. ابن منظور، *لسان العرب*، ج ۷، ص ۴۹۸ - ۴۹۷؛ فیومی، *مصباح المنیر*، ص ۹۰۸.

۳. ابن منظور، *لسان العرب*، ج ۷، ص ۴۲۷؛ ابن فارس، *معجم مقاییس اللغة*، ج ۱، ص ۱۰۸.

۴. فیومی، *مصباح المنیر*، ص ۹۰۸.

۵. ابن منظور، *لسان العرب*، ص ۷، ج ۴۲۹.

عین‌الفعل در کمّ متصل که دو طرف مساوی داشته باشد به کار می‌رود، پس وسط بین این دو طرف واقع می‌شود. وسط به سکون سین در کمّ منفصل استعمال می‌شود. چیزی که بین دو جسم فاصله ایجاد می‌کند؛ برخی وسط را به معنای معتدل بین خوب و بد تعریف نموده‌اند.^۲

از مجموع کلمات لغویین این مطلب استفاده می‌شود که وسط به معنای قرارگرفتن چیزی بین دو یا چند چیز است؛ خواه آن دو چیز مادی باشد یا معنوی، متصل باشد یا منفصل.

معنای لغوی امت

امت به معنای گروهی است که به سوی مقصد خاصی توجه دارند؛ خواه این مقصد زمان باشد یا مکان یا عقیده و فکر خاصی که آنها را متشکل می‌کند و خواه این امر، جامع اختیاری باشد یا غیراختیاری.^۳

مفهوم امت وسط از دیدگاه مفسران

قرآن کریم کلمه امت را هم در ذوی‌العقول استعمال کرده است و هم در رابطه با غیرذوی‌العقول به کار برده است. آنجا که برای ذوی‌العقول استفاده نموده است گاهی بر همه اطلاق شده است «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً»^۴ گاهی بر گروه خاصی از انسان‌ها که هدف واحد یا دین واحد دارند اطلاق شده است، مثل آیه مورد بحث و گاهی هم در رابطه با یک فرد به کار رفته است «إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً»^۵. مفسرین در بیان مفهوم امت وسط و مصداق آن در آیه «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا»^۶ نظریات مختلفی بیان کرده‌اند.

۱. امت اسلامی عادل

گروهی از مفسران بر این باورند که مخاطب آیه کریمه، همه امت اسلامی است و کلمه وسط را به معنای عدل قبول کرده‌اند. بنابراین، امت وسط یعنی امت عادل به نظر این گروه از مفسرین تأیید پیامبر اعظم ﷺ شهادت امت وسط، دلیل بر تزکیه و عدالت این امت در قیامت می‌باشد.^۷

۱. راغب، اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص ۷۶۹.

۲. مصطفوی، التحقیق، ج ۱۳، ص ۱۰۸.

۳. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص ۸۱؛ مصطفوی، التحقیق، ج ۱، ص ۱۴۹.

۴. بقره / ۲۱۳.

۵. نحل / ۱۲۰.

۶. بقره / ۱۴۳.

۷. ر.ک: ابن‌ابی‌حاتم، تفسیر القرآن العظیم، ج ۱ ص ۲۴۹؛ ابن‌عاشور، التحریر و التنویر، ج ۲، ص ۱۷۹؛ مقاتل، تفسیر مقاتل،

۲. امت وسط، امت خیر

به نظر بعضی وسط به معنای خیر و برگزیده می‌باشد و امت وسط یعنی امت برگزیده. خداوند در قرآن کریم امت اسلامی را با اوصافی مانند خیر، توصیف نموده است «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ»^۱ و در توصیف پیامبر گفته شده است، وسط قوم خود بود، یعنی برگزیده قوم بوده است. امت اسلامی از بین امت‌های انبیاء برگزیده شده است که شاهد اعمال آنها در قیامت باشد به نظر برخی از مفسرین چون این آیه در رابطه با تغییر قبله نازل شده است و قبله را از بیت المقدس تغییر داده و کعبه را برگزیده است و این امت هم برگزیده خدا و امت خیر می‌باشد.^۲

۳. دستورات اسلام در اعتدال و میانه‌روی

گروهی از مفسرین وسط را به خود احکام اسلام منتسب نموده‌اند و معتقدند احکام و دستورات اسلام معتدل و حد وسط است، به این معنی که اسلام در اعتقادات و احکام و اخلاق حد وسط را مراعات نموده است و احکام حرجی را جعل نکرده است، چنانکه در آئین یهود احکام حرجی تشریح شده است «وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ»^۳ و نه مثل مسیحیت که هیچ حکم حلال و حرامی را بیان نکرده است. در اخلاق هم استفاده از نعمت‌های الهی را حرام نکرده و توغّل در مادیات و ترجیح منافع مادی را مجاز نشمرده است، احکام اسلامی بر مبنای حد وسط جعل شده است که همه افراد جامعه توان انجام آن را دارند.^۴

۴. امت اسلام، امت اعتدال

به نظر بعضی از مفسرین اعتدال و وسطیت، وصف برای خود امت است. خداوند امت اسلام را به وسط و اعتدال توصیف نموده است. برخلاف یهود که در اعتقاد راه تفریط را در پیش گرفتند و قدرت خدا را محدود نمودند و از جایگاه خداوندی به یک موجود بی‌خاصیت تنزل دادند «وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلُغِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنْفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ»^۵ و یهود گفتند دست خدا به زنجیر بسته است؛ دست‌هایشان بسته باد و بخاطر این سخن از رحمت (الهی) دور شوند! بلکه هر دو دست (قدرت) او

ج ۱، ص ۱۴۵؛ ابن عربی، تفسیر ابن عربی، ج ۱، ص ۴۰؛ ثعلبی نیشابوری، الکشف والبیان، ج ۲، ص ۹؛ ابوحنان،

البحر المحیط، ج ۲، ص ۱۳.

۱. آل عمران، / ۱۱۰.

۲. رک: زمخشری، الکشاف، ص ۱۹۹، ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ج ۱، ص ۳۲۷؛ طبری، جامع البیان، ج ۲، ص ۵.

۳. حج / ۷۸.

۴. رک: طبری، جامع البیان، ج ۲، ص ۵.

۵. مائده / ۶۴.

گشاده است هرگونه بخواهد می‌بخشد» و پیامبران الهی را کشتند و راه لجajt و عناد را در پیش گرفتند و کتاب آسمانی خود را تحریف نمودند.

همچنین برخلاف نصاری که حضرت عیسی را خدا یا فرزند خدا معرفی نموده و افراط در اعتقادات را سرلوحه خود قرار دادند. کتاب دینی خود را تحریف کردند و به بهانه اینکه حضرت عیسی کشته شده است تا گناهان آنها بخشیده شود از انجام هرگونه جنایت ابا نداشتند؛ رهبران دینی راه جهنم را بستند و پیشه بهشت‌فروشی و بخشودگی گناهان مسیحیان را جزء اعتقادات خود قلمداد نمودند در عمل هم حد وسط را مراعات نمودند. یهود توغل در مادیات و شهوات را پیشه خود قرار دادند و نصارا رو به رهبانیت آورده و دوری از نعمت‌های مادی را زمینه تکامل روحی معرفی کردند. هرکس که کمترین استفاده از نعمت‌های دنیایی را داشته باشد، بالاترین مقام در پیشگاه خداوند را دارد.

اما امت اسلام حد وسط و اعتدال را در زندگی مراعات نموده‌اند، هم جسم و مسائل جسمانی را مراعات می‌کنند و هم پرورش روح را مهم شمرده‌اند و از نظر اندیشه و عمل میانه‌رو و معتدل هستند. امت اسلام بین مصالح فردی و اجتماعی، جمع کرده است^۱ و این اعتدال موجب شده که امت اسلامی شاهد بر اعمال امت‌های دیگر باشند.

نقد اقوال فوق‌الذکر

همه این اقوال در این جهت مشترک‌اند که امت اسلامی بر امت‌های دیگر برتری دارند و به خاطر همین برتری در قیامت شاهد اعمال امت‌های دیگر می‌باشند. هرکدام از این اقوال جهت برتری را چیزی بیان کردند که دیگری بیان نکرده است. صرف‌نظر از اشکالات مختص به هرکدام از این اقوال همه این اقوال دو مشکل اساسی دارند که نمی‌توان قبول کرد این اقوال تفسیر امت وسط باشد.

الف) وسط را عدالت معنا کنیم یا برگزیده و معتدل، یا احکام اسلام را معتدل و غیر حرجی بدانیم، باز هم ارتباطی با آیه کریمه^۲ پیدا نمی‌کند. عادل بودن امت در دنیا، یا برگزیده شدن آنها از بین امت‌ها، یا معتدل بودن آنها چه نسبتی با شاهد بودن آنها در قیامت بر اعمال امت‌های دیگر دارد؟ مگر هرکس که عادل بود یا برتر بود می‌تواند از اعمال دیگران مطلع شده و شهادت بدهد؟ مگر اعمال انسان فقط یک امر ظاهری است؟ اعمال مجموعه‌ای از اعمال جوارحی و جوانحی است؛ به فرض اینکه امت اسلامی به ظاهر اعمال انسان‌ها علم پیدا کنند، از نیت آنها چگونه خبردار می‌شوند؟ و از اعمالی که در خفاء انجام

۱. رک: طبری، *جامع البیان*، ج ۲، ص ۱۴۲؛ حجازی، *التفسیر الواضح*، ج ۲، ص ۸۲؛ زحیلی، *الوسیط*، ج ۱، ص ۶۴؛ رشید رضا، *المنار*، ج ۲، ص ۵؛ مراغی، *تفسیر مراغی*، ج ۲، ص ۶؛ سید قطب، *فی ظلال القرآن*، ج ۱، ص ۱۱۳؛ خطیب، *السراج المنیر*، ج ۱، ص ۱۶۶؛ مکارم شیرازی، *تفسیر نمونه*، ج ۱، ص ۴۸۶؛ همان، ج ۲، ص ۵.
۲. بقره / ۱۴۳.

می‌شود چگونه مطلع می‌گردند؟ چگونه بر اعمال امت‌های گذشته که قرن‌ها قبل از امت اسلامی بودند مطلع می‌شوند و شهادت می‌دهند؟ اینها سؤالاتی است که در بیان امت وسط و شهادت بر اعمال امت‌های دیگر مطرح است و نظریات فوق پاسخی برای آنها ندارند.

ب) در سوره نساء، شاهدین بر اعمال هم‌ردیف انبیاء و صدیقین و صالحین ذکر شده است «وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا»؛ در این صورت، لازمه نظریات پیشین، عصمت و هم‌ردیف‌بودن همه امت با انبیاء و صدیقین و صالحین می‌باشد. درحالی‌که، کسانی از امت اسلامی در زندگی دنیوی هزاران جنایت مرتکب شده‌اند به چه دلیل در قیامت از گناهان تطهیر شده و در ردیف پیامبران قرار می‌گیرند؟ این نوع تفکر مخالف صریح آیات قرآن کریم و سنت قطعی نبوی است، مبنی بر اینکه گنهکاران مجازات می‌شوند. اگر فاجر و فاسق امت اسلامی در قیامت در کنار انبیاء و صدیقین قرار می‌گیرند، پس فرق مؤمن با فاسق در چیست؟ هردو در قیامت عذاب نمی‌شوند. عمل به دستورات دینی چه فایده دارد و وعده و وعیدهای قرآنی چگونه تفسیر می‌شوند؟ به نظر می‌رسد اعتقاد به عدالت همه امت اسلامی مخالف نص قرآن و بدیهیات عقلی می‌باشد. قرآن کریم برخی از مسلمانان را نکوهش نموده و ظالم معرفی کرده است «فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ إِذْنُ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ».^۲ در سوره واقعه انسان‌ها را به سه گروه تقسیم می‌کند «وَكُنْتُمْ أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً * فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ * وَأَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ * وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ * أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ».^۳ بعضی از امت اسلامی در گروه اصحاب شمال قرار می‌گیرند و عذاب‌های سختی برای آنها معین شده است، پس نمی‌توان قبول کرد که این گروه از امت اسلامی، عادل بوده و شاهد اعمال امت‌های دیگر باشند.

توجیه اشکال فوق مبنی بر اینکه درست است که بعضی از مسلمانان در دنیا عدالت ندارند ولی عدالت در مقام ادای شهادت معتبر است نه در مقام تحمل شهادت و ملت اسلام در قیامت که زمان ادای شهادت می‌باشد از طرف خداوند تزکیه شده و عادل می‌شوند. همچنین اینکه امضاء شهادت امت توسط پیامبر اسلام، دلیل بر تزکیه و عدالت آنها است^۴ را نمی‌توان قبول نمود:

اولاً: عذاب‌ها و وعیدهایی که در آیات قرآن برای ظالمان ذکر شده است، مربوط به قیامت است و شامل

۱. نساء / ۶۹

۲. فاطر / ۳۲

۳. واقعه / آیات ۱۱ - ۷

۴. رک: بروسوی، روح البیان، ج ۱، ص ۲۴۸؛ بیضاوی، انوار التنزیل، ج ۱، ص ۱۱۱۹.

حال ظالمان امت اسلامی هم می‌شود، پس نمی‌توان گفت که ظالمان امت اسلامی تزکیه و عادل می‌شوند و پیغمبر از فجایع و جنایاتی که بعضی از امت مرتکب شدند چشم‌پوشی کند و آنها را تزکیه نماید. ثانیاً؛ شهادت بر اعمال دیگران در قیامت در صورتی ممکن است که شاهد، علاوه بر ظواهر اعمال بر بواطن انسان‌ها در دنیا هم عالم باشد، درحالی‌که، مؤمنین حتی از پشت خانه خود خبر ندارند، پس چگونه می‌توانند بر اعمال جوارحی و جوانحی امت‌های گذشت مطلع شوند تا شهادت بدهند؛ بنابراین، پس نمی‌توان گفت که مراد از امت وسط همه امت اسلامی است.^۱

۵. امت وسط، گروهی از امت اسلام

بعد از روشن شدن این مطلب که معانی ذکر شده نمی‌تواند معنا برای امت وسط باشد و نیز همه امت اسلامی نمی‌توانند شاهد اعمال انسان‌ها باشند، به تناسب صدر و ذیل آیه، وسط به معنای واسطه‌بودن گروهی از امت اسلامی بین پیامبر ﷺ و مردم است؛ چون شهادت بر اعمال انسان‌ها یک حقیقت قرآنی است که در موارد متعددی از آیات قرآن بر آن اشاره شده است و ربطی به اعتدال و معانی دیگر مذکور ندارد و مخصوص امت اسلامی هم نمی‌باشد، چون قرآن کریم به این مطلب تصریح می‌کند «فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَىٰ هَؤُلَاءِ شَهِيدًا»^۲ و از جمله در این زمینه آیات ۸۴ سوره نحل و ۶۹ سوره زمر می‌باشند.

در آیه «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا»^۳ قرینه وجود دارد که مراد از امت وسط گروهی از امت هستند که واسطه بین پیغمبر ﷺ و امت می‌باشند نه همه امت اسلامی، چون آیه کریمه می‌فرماید این گروه شاهد اعمال انسان‌ها هستند و پیغمبر هم شاهد اعمال این گروه می‌باشد. در آیه کریمه، امت وسط دو طرف دارد یکی از دو طرف رسول اکرم ﷺ و دیگری مردم عادی هستند. اگر وسط به معنای اعتدال و حد وسط باشد، باید دو طرف به او مراجعه نمایند و او را میزان قرار دهند، نه اینکه وسط، شهادت بر طرفین بدهد؛ وسطیت با این معنا تناسبی با شهادت ندارد پس وسط به معنای اعتدال و ... نمی‌تواند باشد. از طرفی قرآن کریم از بعضی مسلمانان را به ظلم متصف نموده است «فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ»^۴ پس همه امت این مقام را ندارند که بر اعمال و اعتقادات درونی انسان‌ها علم پیدا کنند، چون این گروه از امت واسطه بین رسول اکرم ﷺ و مردم قرار گرفته‌اند و مقتضای وساطت بین رسول و مردم این است که این وساطت

۱. ر.ک: طباطبائی، *المیزان*، ج ۱، ص ۳۲۰.

۲. نساء / ۴۱.

۳. بقره / ۱۴۳.

۴. فاطر / ۳۲.

در رابطه با شأن رسالت و رسول بودن پیغمبر ﷺ است که عبارت است از تبلیغ دسورات الهی؛ قهراً این گروه واسط بیان احکام الهی‌اند یعنی احکام و دستوراتی که به رسول خدا نازل می‌شده است توسط پیغمبر ﷺ به این گروه تعلیم می‌شده و آنها به مردم ابلاغ می‌کردند و آنان مبلغ دستورات اعتقادی و عملی دینی به مردم بودند، پس شهادت آنها در رابطه با همین وظیفه تبلیغ می‌باشد. این گروه در تحمل شهادت و در ادای شهادت در قیامت باید معصوم باشند، چون اگر عصمت نداشته باشند ممکن است در تحمل شهادت خطا کنند و شهادت پیامبر ﷺ هم بر اعمال آنها که همان تبلیغ دین می‌باشد دلیل بر عصمت آنها است؛ پس ملاک شهادت پیغمبر بر اعمال این گروه به خاطر این است اینها واسطه بین رسول اکرم ﷺ و مردم هستند. پیامبر ﷺ تعلیم‌دهنده دستورات الهی برای آنها است و آنها دستورات آن حضرت را به مردم ابلاغ می‌کنند، آنها نیز شاهد اعمال امت هستند چون واسطه ابلاغ دستورات الهی‌اند.^۱

تعلیم رسول‌الله به این گروه، تعلیم خاص و القاء الهی و به‌صورت دفعی بوده است. همان‌طوری که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود «فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَ عَلَّمَنِي أَلْفَ بَابٍ مِنَ الْعِلْمِ يَفْتَحُ كُلُّ بَابٍ أَلْفَ بَابٍ».^۲ شهادت امت وسط بر عملکرد اعتقادی و اخلاقی انسان‌ها، کرامتی است از طرف خداوند که به امت وسط اعطاء شده است. به تعبیر بعضی از بزرگان «این گروه از یک سو بر پایین‌تر از خود اشراف دارند و از سوی دیگر تحت اشراف بالاتر از خود هستند، پس این گروه نه در حد پیغمبرند و نه دیگران در حد آنان هستند. آنان حد فاصل و واسطه میان رسول و مردم هستند. انسان تا با عالی ارتباط نداشته باشد، بر پایین مشرف نخواهد بود. از این رو تنها شهادت بر اعمال دیگران و ارتباط با رسول اکرم از راه تعلیم و تزکیه است و این وساطت دریافت فیض از رسول اکرم ﷺ و رساندن آن به مردم است».^۳

این شهادت اگر چه در آخرت انجام می‌شود، لکن تحمل شهادت در دنیا صورت می‌گیرد «وَكُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مَا دُمْتُ فِيهِمْ فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي كُنْتُ أَتَى الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ».^۴ اداء شهادت در قیامت نیز از آیه «وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا»^۵ استفاده می‌شود.

پیامبر اسلام شاهد بر اعمال شهداء همه امت‌ها می‌باشد «وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَجِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَى هَؤُلَاءِ».^۶ شهادت باید از روی مشاهده باشد. شاهدان بر اعمال، باید

۱. رک: طباطبائی، *المیزان*، ج ۱، ص ۳۲۱.

۲. صدوق، *الامالی*، ص ۶۳۸.

۳. رک: جوادی آملی، *تسنیم*، ج ۷، ص ۳۲۵.

۴. مائده / ۱۱۷.

۵. نساء / ۱۵۹.

۶. نحل / ۸۹.

کسانی باشند که علاوه بر ظاهر اعمال انسان‌ها، بر نیات قلبی آنها نیز آگاه باشند و در همه زمان‌ها شاهد بر انسان‌های دیگر باشند، مقتضای این نوع شهادت این است که:

اولاً؛ شاهدان اعمال باید حیات داشته باشند تا در دنیا شهادت را تحمل نمایند، البته مراد از حیات فقط حیات دنیوی نیست، بلکه اعم از حیات دنیوی و برزخی است. پیامبر ﷺ و امت وسط با اینکه حیات دنیوی ندارند ولی حیات برزخی دارند و مشرف به عالم دنیا و اعمال انسان‌ها هستند.

ثانیاً؛ آگاهی خاصی از طرف خدا به آنها اعطاء شده باشد که علاوه بر آگاهی بر ظاهر اعمال انسان‌ها به باطن و نیات آشکار و نهان انسان‌ها علم داشته باشند.

ثالثاً؛ هم در تحمل شهادت و هم در ادای شهادت باید معصوم باشند. اگر معصوم نباشند ممکن است خطا کنند و شهادت دروغ را تحمل کنند و در قیامت شهادت دروغ بدهند. بدون این دو شرط در قیامت احتجاج محقق نمی‌شود. بنابراین، شهادت بر اعمال انسان‌ها کرامتی است که مخصوص اولیاء خاص خداوند می‌باشد؛ چون آگاهی بر نیات و سرّ انسان‌ها برای عموم انسان‌ها مقدور نمی‌باشد، کمترین خصوصیات شاهدین اعمال این است که آنها تحت ولایت خداوند از اصحاب صراط مستقیم و از نعمت خاص الهی برخوردارند. از آیه کریمه «وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا»^۱ استفاده می‌شود که این گروه تحت ولایت الله و در صراط مستقیم هستند «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ»^۲. به کاربردن کلمه امت در این گروه خاص به‌خاطر این است که این شهداء در بین این امت هستند، کما اینکه مراد در آیه‌ای که خداوند می‌فرماید بنی‌اسرائیل را بر عالمیان فضیلت دادیم این است که این گروه در بین بنی‌اسرائیل بودند نه اینکه همه بنی‌اسرائیل فضیلت دارند بلکه صفت بعض را به کل نسبت داده است، یعنی بعضی از بنی‌اسرائیل را بر انسان‌ها برتری دادیم «وَلَقَدْ آتَيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ»^۳. در آیه ۱۴۳ سوره بقره کل را در جزء به کار برده است، به لحاظ اینکه این در کل در بین امت هستند.^۴ به جهت واسطه بودن این گروه بین پیامبر و امت، پیامبر شاهد اعمال آنها است و آنها شاهد اعمال مردم‌اند. قبول شهادت این امت از طرف پیغمبر به معنای تأیید علم، تعدیل، انجام وظیفه و واسطه بودن آنها است. همان‌گونه که رسول خدا واسطه فیض الهی برای مردم و امام و راهنمای مردم است،

۱. نساء / ۶۹

۲. فاتحة الكتاب / ۷.

۳. جاثیه / ۱۶.

۴. رک: طباطبائی، المیزان، ج ۱، ص ۳۲۴ - ۳۲۱.

مردم نیز باید به او اقتداء کرده و از دستورات آن حضرت اطاعت نمایند. این گروه نیز واسطه هدایت مردم‌اند که اطاعت و قبول راهنمایی آنها بر مردم لازم است «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»^۱ با این تفاوت که پیغمبر ﷺ مستقیماً فیض را از طریق وحی از عالم ملکوت دریافت می‌نماید، یعنی این گروه علوم خود را از طریق رسول اکرم بر اساس تعلیم خاص آن حضرت دریافت می‌کنند و به مردم می‌رسانند.

عمومیت شهادت پیغمبر و امت وسط

در قرآن کریم از گروه‌های متعددی برای شهادت اعمال انسان‌ها سخن به میان آمده است، لکن اکثر شاهدان اعمال که در قرآن آمده است محدود به موارد خاصی است، مثلاً شهادت اعضاء مختص به مواردی است که مربوط به آن عضو می‌شود، «الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»^۲ هر عضوی درباره عملی که به وسیله آن انجام گرفته است شهادت می‌دهد. شهادت زمین مختص به موردی است که عملی در آن مکان صورت گرفته است «وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا * وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا * يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا»^۳ حوادث و اتفاقاتی که در روی زمین صورت گرفته است زمین آن را آشکار می‌کند. شهادت ملائکه موکله مختص به فردی است که ملک موکل او است «مَا يَلْفُظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ»^۴

شهادت انبیاء و شاهدان در امت‌های گذشته مربوط به همان امت می‌باشد؛ چون رسالت آنها محدود به گروه خاص و مکان و زمان خاص می‌باشد «وَكُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مَا دُمْتُ فِيهِمْ فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي كُنْتُ أَتَى الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ وَأَنْتَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ»^۵

ولی شهادت پیغمبر اسلام ﷺ عمومیت دارد و شامل همه امت‌ها و شاهدان امت‌ها می‌شود «وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَجِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَىٰ هَؤُلَاءِ»^۶ چون شعاع رسالت آن حضرت مربوط به همه انسان‌ها می‌باشد و دائمی است «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِلنَّاسِ»^۷ «فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ

۱. نساء / ۵۹.

۲. یس / ۶۵.

۳. زلزال / ۴ - ۲.

۴. ق / ۱۸.

۵. مائده / ۱۱۷.

۶. نحل / ۸۹.

۷. سبأ / ۲۸.

كُلُّ أُمَّةٍ يَشْهَدُ بِرَسُولِهَا وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا.^۱ و شهادت امت وسط از امت پیغمبر ﷺ هم عمومیت دارد که شامل همه انسان‌ها می‌شود «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ». ^۲ شهادت حضرت رسول ﷺ در گستره رسالت او می‌باشد. پیغمبر اسلام ﷺ امام انبیاء و همه انسان‌ها است، شهادت ایشان برای شهدای امت‌های گذشته به‌خاطر عمومیت امامت و پیشوائی آن حضرت است، آن حضرت امام الانبیاء است و امت وسط هم که جانشینان آن حضرت هستند شعاع شهادت آنها به تبع مسئولیت و گستره رسالت رسول اکرم ﷺ می‌باشد، به همین خاطر شاهد اعمال همه انسان‌ها هستند و پیغمبر هم شاهد اعمال این گروه از امت وسط است.^۳

اقوال در مصداق امت وسط

همان‌گونه که مفسران در مفهوم امت وسط نظریات مختلفی ابراز نمودند در تعیین مصداق آن نیز دچار اختلاف و تشدد افکار شدند. برخی مصداق آن را اصحاب رسول اکرم و تابعین صحابه می‌دانند و دلیل این افراد روایتی است که از رسول اکرم نقل کرده‌اند. پیامبر ﷺ فرمود: امت من به هفتاد فرقه منشعب می‌شوند که یک فرقه از آنها اهل نجاتند، سؤال شد آن گروه کیانند فرمود: آنچه من و اصحاب من بر آن است. از این روایت استنباط نمودند که مصداق امت وسط، اصحاب پیامبر و تابعین اصحاب‌اند. برخی از این بالاتر قدم گذاشتند و گفتند مصداق امت وسط اهل سنت‌اند که تابع سنت پیامبر و اصحاب پیامبر هستند، چون بعد از خلفاء راشدین عده‌ای راه افراط را در پیش گرفتند و به خلفاء طعن زدند، ولی اهل سنت تبعیت از خلفاء و اصحاب رسول گرامی نمودند و ادامه دهنده راه آنها هستند پس آنها امت وسط می‌باشند.^۴

نقد اقوال مصداق امت وسط

از خود روایت فوق، جعلی بودن آن روشن می‌گردد، چراکه اختلافات اصحاب بی‌نهایت است که از کدام‌یک از اصحاب تبعیت کنیم؟ در شورای ۶ نفره که بعد از خلیفه دوم جهت تعیین خلیفه تشکیل شده بود، یکی از شرایط خلیفه‌شدن پیروی از سنت خلیفه اول و دوم بود، درحالی که حضرت علی رضی الله عنه این شرط را قبول نکرد. حضرت علی رضی الله عنه که به نظر اهل سنت چهارمین خلیفه مسلمین و جزء اصحاب پیغمبر می‌باشد،

۱. نساء / ۴۱.

۲. بقره / ۱۴۳.

۳. ر.ک: طباطبائی، المیزان، ج ۱، ص ۲۲۴.

۴. ر.ک: صلابی، الوسیطه فی القرآن، ص ۳؛ براق، توضیح مقاصد العقیده، ص ۲۹ - ۲۸؛ ترکی، الامة الوسط المنهاج النبوی، ص ۲۹.

حاضر نیست به سنت خلفای قبل از خود عمل کند. اگر ما بخواهیم از اصحاب پیروی کنیم به کدام یک از آنها اقتدا کنیم؟ به سنت خلیفه اول و دوم عمل کنیم یا راه و روش خلیفه چهارم را در پیش بگیریم؟ اختلاف روش خلیفه دوم و سوم در تقسیم بیت‌المال و برخورد با کسانی که از بیت‌المال استفاده می‌کردند قابل انکار نیست. از کدام یک از این دو نفر پیروی کنیم؟ جنگ جمل بین علی علیه السلام با طلحه و زبیر و عایشه واقع شد و سران دو سپاه و اکثریت لشکریان از اصحاب رسول اکرم و همه آنها جزء تابعین بودند سؤال این است، کدام یک از دو طرف حق بودند؟ اگر ما در آن زمان حضور داشتیم در کنار کدام یک قرار می‌گرفتیم و بر سنت کدام یک از این دو گروه عمل می‌کردیم؟ همین‌طور جنگ صفین که بین علی علیه السلام و معاویه صورت گرفت که هر کدام از این دو نفر عزم قتل دیگری را داشتند از کدام یک تبعیت کنیم و کدام یک از طرفین مصداق امت وسط‌اند؟

اگر مصداق امت وسط اهل سنت باشند، کدام یک از فرقه‌های اهل سنت مصداق امت وسط‌اند؟ با اختلافات زیادی که در بین فرقه‌های اهل سنت هم در عقاید و هم در احکام است. در طول تاریخ این فرقه از اهل سنت آن فرقه را تکذیب و تکفیر نموده است و آن گروه رهبر او را تکفیر نموده و معتقدند مولودی مضرتر به اسلام از فلانی متولد نشده است.^۱ معتزلی، اشعری را مشرک می‌داند، چون اشعری همه بدی‌ها و گناهان بندگان را به گردن خداوند می‌اندازد و اشعری معتزلی را تکفیر می‌کند، چون قدرت خدا را محدود می‌داند. با این شرایط از کدام یک از این فرقه‌ها تبعیت نماییم؟ دو تا دشمن خونی که موجب شدند خون هزاران مسلمان ریخته شود و بر علیه قتل و کشتار انسان‌های دیگر شهادت بدهند؛ چطور ممکن است همه این اشخاص و فرقه‌ها که در مقابل همدیگر صف‌آرایی نمودند و مشتاق کشتن همدیگر بودند، امت وسط محسوب شوند و در ردیف پیامبران قرار گیرند و بر علیه انسان‌های دیگر شهادت دهند؟ کدام عقل سلیم این مطلب را قبول می‌کند که خلیفه چهارم بر علیه سران جنگ جمل و صفین شهادت می‌دهد یا آنان در کنار پیغمبر اکرم نشسته بر علیه خلیفه چهارم و باب علم نبی اکرم شهادت خواهند داد؟ اگر کسی این مطلب را بپذیرد باید در عقل و سلامت روانی او شک کرد. بنابراین، نمی‌توان قبول کرد که مصداق امت وسط اصحاب و تابعین یا فرقه‌های مذهبی اهل سنت و یا همه امت اسلامی هستند.

وحدت امت وسط با امت مسلمه

از آیات قرآن استفاده می‌شود، امت وسط همان امت مسلمه است که حضرت ابراهیم از خداوند می‌خواهد از فرزندان او امت مسلمه قرار دهد و از بین آنها پیامبری مبعوث کند، حکمت و کتاب به آنها بیاموزد و

۱. ر.ک: بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱۳، ص ۴۳۹.

آنها را تزکیه نماید «رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ * رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ»^۱. در این آیات حضرت ابراهیم از خداوند می‌خواهد که خود او و حضرت اسماعیل را مسلمان قرار بدهد و از ذریه او کسانی را مسلمان قرار دهد و از بین آن امت مسلمه، کسی را به مقام رسالت انتخاب نماید و برای آنها کتاب الهی و حکمت را بیاموزد و آنها را از آلودگی و قذارت باطنی تطهیر نماید.

مراد از اسلام مورد درخواست حضرت ابراهیم^ع اقرار به شهادتین نمی‌باشد؛ چون این خواسته در اواخر عمر شریف آن حضرت بوده و در زمانی بوده است که مقام رسالت و مقام خلیل بودن و امامت الهی را پشت سر گذاشته است، پس مراد از تقاضای اسلام یعنی آخرین مرتبه تسلیم به خدا است. از مقام رضا و تسلیم در مقابل خداوند بالاترین مرتبه را از خداوند برای خودش و ذریه‌اش طلب می‌کند که همان مقام مخلصین (با فتح) و مقام ولایت حق می‌باشد و چون خداوند متولی امر آنها شده است، هیچ خوف و حزنی برای آنها وجود ندارد. «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»^۲. از رسول اکرم^ص نقل شده است که آن حضرت فرمود من مورد دعای حضرت ابراهیم^ع هستم «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ^ص: أَنَا دَعْوَةُ أَبِي إِبْرَاهِيمَ^ع»^۳.

در دو آیه آخر سوره حج، گرچه کلمه وسط ذکر نشده است لکن محور وساطت یعنی شهادت ذکر شده است و شاهدین اعمال را ذریه حضرت ابراهیم^ع و امت مسلمه معرفی کرده است «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَأَفْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ * وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَفِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ»^۴. این آیه کریمه شاهد بر این است که امت وسط و امت مسلمه از نظر مصداق یکی می‌باشند. امت وسط که در آیه ۱۴۳ سوره بقره شاهدین اعمال معرفی شده‌اند، در این آیه همان شهدا اعمال را امت مسلمه و از ذریه حضرت ابراهیم معرفی کرده است. بنابراین، امت وسط از نظر مصداقی با امت مسلمه که مورد دعای حضرت ابراهیم است یکی می‌باشند.

۱. بقره / ۱۲۹ - ۱۲۸.

۲. یونس / ۶۲، ر.ک: طباطبائی، *المیزان*، ج ۱، ص ۲۲۳.

۳. بحرانی، *البرهان*، ج ۱، ص ۳۳۵.

۴. حج / ۷۸ - ۷۷.

دو ویژگی مهم

دو ویژگی مهم در دو آیه سوره حج برای شاهدان اعمال که همان امت مسلمه که در آیه ۱۲۸ سوره بقره مورد دعای حضرت ابراهیم بوده است ذکر شده است:

۱. شاهدان اعمال و امت مسلمه از ذریه حضرت ابراهیم‌اند.

۲. ویژگی دیگری که به آن اشاره شده است اجتناب است که به معنای برگزیدن و خاص کردن برای

خود می‌باشد که از ماده جبی مشتق شده است.^۱

اجتناب به معنای انتخاب خاص و ممتاز می‌باشد که چیزی یا کسی را مخصوص به خود گردانیدن است. خداوند درباره حضرت ابراهیم و فرزندان او می‌فرماید: ما آنها را با خلوص ویژه‌ای خالص کردیم و آن یادآوری سرای آخرت بود «إِنَّا أَخْلَصْنَاهُمْ بِخَالِصَةٍ ذِكْرَى الدَّارِ». ^۲ کلمه اجتناب از ماده جبی هفت بار به صورت فعل ماضی مزید فیه از باب افتعال و سه بار به صورت مضارع نیز از همان باب در ۱۰ آیه از قرآن به کار رفته است که ۹ مورد مربوط به پیامبران الهی و انتخاب و برگزیده شدن آنها می‌باشد و یک مورد در سوره حج مربوط به امت مسلمه از ذریه حضرت ابراهیم می‌باشد.^۳

از مجموع این آیات برمی‌آید که کلمه اجتناب مساوق با مخلص بودن (با فتح لام) و معصوم بودن می‌باشد و کسانی که خداوند آنها را انتخاب نموده و برای خودش مخلص قرار داده است، از دسترسی شیطان دوراند «قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ * إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ». ^۴ گروه مخلصین می‌توانند خدا را توصیف نمایند «سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ * إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ». ^۵ آنها کسانی هستند که فانی در حق‌اند و برای خود حقیقتی غیر از بندگی و مملوکیت قائل نیستند.

مقام مخلصین ملازم با عصمت می‌باشد که به پیامبران الهی و به معدودی از امت اسلامی از ذریه حضرت ابراهیم اختصاص دارد نه به همه امت اسلامی و نه به همه ذریه حضرت ابراهیم؛ چون اکثر امت اسلامی سهمی از مقام عصمت ندارند و همه ذریه حضرت ابراهیم هم به مقام عصمت نمی‌رسند. چون در بین ذریه حضرت ابراهیم برخی ظالم می‌باشند و کسی که در عمر خود ولو یک بار هم گناه مرتکب شده و ظلمی از او سر زده باشد، راهی به مقام مخلصین ندارد. به همین خاطر، خداوند متعال در جواب درخواست حضرت ابراهیم که امامت را در ذریه او قرار دهد، فرمود: عهد من به ظالمان نمی‌رسد.

۱. مصطفوی، التحقیق، ج ۲، ص ۶۳.

۲. ص / ۴۶؛ راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص ۱۸۷.

۳. آل عمران / ۱۷۹؛ انعام / ۸۷ - ۸۶؛ یوسف / ۶؛ نحل / ۱۲۱ - ۱۲۰؛ مریم / ۵۸؛ طه / ۱۲۲؛ شوری / ۱۳ و قلم / ۵۰ - ۴۸.

۴. ص / ۸۳ - ۸۲.

۵. صافات / ۱۵۹ - ۱۶.

«إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ»^۱ معلوم می‌شود که از ذریه ابراهیم علیه السلام کسانی هستند که متصف به ظلم‌اند و شهادت بر اعمال با مقام ظلم سازگاری ندارد. در کنارهم قرارگرفتن آیه ۷۷ - ۷۸ سوره حج و ۱۲۴ سوره بقره، این نکته را می‌فهماند که گروهی از ذریه حضرت ابراهیم برگزیده شده‌اند تا امامت انسان‌ها را به عهده بگیرند و شاهد اعمال انسان‌ها در قیامت باشند.

تا اینجا روشن شد که امت وسط با امت مسلمه از نظر مصداق یکی هستند. آنها شاهدان اعمال هستند و روشن شد که اصحاب و تابعان و یا فرقه‌های مذهبی نمی‌توانند مصداق برای امت وسط باشند. نیز مشخص شد که در قرآن دو ویژگی شاخص برای امت وسط بیان شده است:

۱. امت وسط که در آیه ۱۴۳ سوره بقره آمده است و در قیامت بر اعمال انسان‌ها شهادت می‌دهند، گروهی از ذریه حضرت ابراهیم علیه السلام هستند.

۲. این افراد از ذریه حضرت ابراهیم علیه السلام به عنوان برگزیده خدا و به مقام امامت مردم و به مقام مخلصین رسیده‌اند و معصوم از لغزش و خطا هستند که در آیه ۷۷ و ۷۸ سوره حج این دو شرط با صراحت بیان شده است.

با مراجعه به قرآن کریم افرادی را از امت اسلامی که این دو ویژگی را دارند می‌توان شناسائی نمود.

تعیین مصداق امت وسط در قرآن

در قرآن کریم آیات زیادی هست که با چیدن آنها در کنارهم می‌توان این افراد را مشخص نمود. در سوره نساء می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»^۲.

در این آیه اطاعت رسول را هم‌ردیف اطاعت خدا بیان فرموده است و اطاعت خداوند مطلق است یعنی هیچ قید و شرطی ندارد، چون او مالک مطلق است و از طرفی اطاعت پیغمبر هم عطف شد است به اطاعت خداوند و قیدی برای آن ذکر نشده است؛ این نکته دلیل بر این است که اطاعت از ایشان نیز مطلق است و از امر به اطاعت مطلق رسول، عصمت رسول روشن می‌شود. اطاعت پیغمبر به خاطر این است که ایشان امام و هادی انسان‌ها است و شاهد بر اعمال بودن ایشان نیز در این راستا قابل تفسیر است.

از طرف دیگر اطاعت اولی‌الامر، بدون قید عطف به اطاعت رسول شده است؛ یعنی همان‌طوری که اطاعت رسول واجب است، اطاعت اولی‌الامر هم واجب است و او هم باید معصوم باشد؛ زیرا اگر اولی‌الامر

۱. بقره / ۱۲۴.

۲. نساء / ۵۹.

معصوم نبود باید اطاعت او را مقید می‌کرد به مواردی که امر او خلاف واقع نباشد، پس از این آیه استفاده می‌شود، اولی‌الامر هم باید معصوم باشد و چون معصوم است امر به خلاف نمی‌کند و اطاعت او واجب است، یعنی اگر او دستوری را صادر می‌کند و حکمی را بیان می‌کند آن حکم و دستور را از پیش خود نمی‌گوید، آن را از رسول اکرم ﷺ تعلیم یافته است و پیغمبر ﷺ هم چیزی که خلاف واقع باشد به او یاد نداده است. آنچه را که آن حضرت از طریق وحی به او نازل شده است به اولی‌الامر تعلیم فرموده است و اولی‌الامر واسطه بین پیغمبر و امت می‌باشد و امام جامعه است. دستورات خداوند را که از طریق پیغمبر اسلام تعلیم یافته است به مردم می‌رساند و مسئول تبیین شریعت الهی و تنظیم‌کننده روابط اجتماعی انسان‌ها طبق دستورات الهی در جامعه می‌باشد.^۱

در سوره مائده اولی‌الامر را که اطاعت او مانند اطاعت پیغمبر شمرده شده است و معصوم می‌باشد معرفی می‌فرماید «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ».^۲ مراد از ولایت در آیه به معنای نصرت مؤمنین یا مودت مؤمنین به همدیگر نیست بلکه مراد ولایت در تصرف است.^۳ به اتفاق شیعه و سنی این آیه درباره امیرالمؤمنین علی ابن‌ابی‌طالب ﷺ نازل شده است و تنها مصداق این آیه آن حضرت می‌باشد.^۴

با این بیان روشن می‌شود که علی ﷺ مصداق اولی‌الامر می‌باشد. چنان‌که گفته شد، کسانی که شاهد اعمال انسان‌ها هستند، جنبه امامت و رهبری برای انسان‌ها دارند. از آیه ۵۹ سوره نساء و آیه ۱۲۴ سوره بقره روشن می‌شود که اولی‌الامر و امام باید معصوم باشد؛ نیز از آیه ۵۵ مائده استفاده می‌گردد که مصداق اولی‌الامر، امام امیرالمؤمنین علی ﷺ است. پس دو شرطی که در آیات ۷۷ - ۷۸ سوره حج برای شاهدین اعمال ذکر شده بود که برگزیده خدا، معصوم و از ذریه حضرت ابراهیم باشند، در وجود مقدس امیرالمؤمنین جمع می‌باشد. بنابراین، در کنار هم قرار گرفتن آیه ۱۴۳ سوره بقره و آیه ۷۷ و ۷۸ سوره حج مشخص می‌کند که امت وسط و امت مسلمه مصداقاً یکی‌اند و امت وسط، امام و رهبر جامعه و مبین شریعت و واسطه بین پیغمبر

۱. ر.ک: طباطبائی، *المیزان*، ج ۴، ص ۳۹۱.

۲. مائده / ۵۵.

۳. طباطبائی، *المیزان*، ج ۶، ص ۷.

۴. ابن‌کثیر، *تفسیر القرآن العظیم*، ج ۲، ص ۱۲۶؛ ماتریدی، *تفسیر ماتریدی*، ج ۳، ص ۵۴۵؛ بیضاوی، *انوار التنزیل*، ج ۲، ص ۱۳۲؛ فخر رازی، *تفسیر کبیر*، ج ۱۲، ص ۳۸۳؛ آلوسی، *روح المعانی*، ج ۳، ص ۳۳۴؛ سیوطی، *الدر المنثور*، ج ۲، ص ۲۹۳؛ قرطبی، *الجامع الاحکام القرآن*، ج ۶، ص ۲۲۱؛ ثعالبی، *الجواهر الحسان*، ج ۲، ص ۳۱۹؛ ابن‌عاشور، *التحریر والتنویر*، ج ۵، ص ۱۳۹؛ عنایت، *اسباب النزول القرآنی*، ص ۱۹۱، قمی، *تفسیر علی بن ابراهیم قمی*، ج ۱، ص ۱۷۰؛ طوسی، *التبیان*، ج ۳، ص ۵۵۸؛ طبرسی، *مجمع البیان*، ج ۳، ص ۳۳۴.

و مردم هستند و طبق آیه ۵۹ سوره نساء، اولی الامر معصوم است و طبق سوره مائده همان اولی الامر معصوم، علی علیه السلام می باشد. پس آن حضرت معصوم و برگزیده خداوند و از ذریه حضرت ابراهیم علیه السلام است؛ در نتیجه، روشن می شود که اولین مصداق امت وسط و امت مسلمه در امت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم امیرالمؤمنین علیه السلام است و آن بزرگوار در دنیا شاهد اعمال انسان ها است و به تمام افکار و نیات و اعمال انسان ها در دنیا اشراف کامل دارد و به آن چیزهایی که در دنیا ناظر و اشراف بر آنها داشت، در آخرت شهادت می دهد؛ چون آن حضرت خودش مستقل بالذات نیست، نظارت و شهادت او به خاطر واسطه بودن او بین رسول گرامی اسلام و مردم است پس به همین دلیل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هم شاهد اعمال آن حضرت می باشد.

با توجه به آیه تطهیر^۱ که در شأن عترت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده است و بیانگر عصمت آن بزرگواران می باشد، می توان گفت امت وسط و شاهدان اعمال همان عترت علیهم السلام هستند؛ چون هر دو شرط عصمت و از ذریه حضرت ابراهیم بودن که از آیات ۷۷-۷۸ سوره حج برای شاهدان اعمال استفاده می شود، در اهل بیت پیغمبر جمع شده است. امت وسط یعنی امیرالمؤمنین، حضرت زهرا و حسنین علیهم السلام. توسعه این مطلب به ائمه معصومین علیهم السلام دیگر نیازمند بحث هایی است که این مقاله ظرفیت طرح آنها را ندارد.

نتیجه

نظریات متعددی در تبیین مفهوم امت وسط در رابطه با آیه ۱۲۴ سوره بقره در بین مفسرین مطرح می باشد. برخی وسط را به معنای عدالت و برخی بر خیر گرفته و گروهی آن را به معتدل بودن احکام اسلام یا معتدل بودن خود امت اسلامی در سلوک زندگی، تفسیر نموده اند. چنان که گفته شد، هیچ کدام این معانی با سیاق آیه تناسب ندارد و در نهایت آنچه که می تواند تفسیر امت وسط باشد این است که گروهی از امت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم واسطه بین آن حضرت و امت اسلام می باشند که دستورات الهی را از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم یاد می گیرند و آن را به مردم ابلاغ می نمایند این تفسیر با شهادت آنها بر امت در قیامت تناسب کامل دارد؛ و در تعیین مصداق امت وسط نیز بین مفسرین تفاوت نظر به چشم می خورد مانند: اصحاب پیغمبر، تابعین و فرق مذهبی اهل سنت. ولی با توجه به جمع بندی آیات قرآن کریم، روشن می شود مصداق امت که شاهدان اعمال امت اسلامی می باشند، امت مسلمه از ذریه حضرت ابراهیم علیه السلام می باشند که امیرالمؤمنین علیه السلام و اهل بیت و عترت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم هستند و مصداق امت مسلمه و شاهدین اعمال محسوب می شوند. چون آنها با توجه به آیه ۵۹ سوره نساء و ۵۵ سوره مائده و آیه تطهیر دو ویژگی عصمت و از ذریه حضرت ابراهیم بودن را که در آیه ۷۷-۷۸ سوره حج برای شاهدان اعمال ذکر شده است دارا هستند.

منابع و مأخذ

قرآن كريم.

- ابن ابى حاتم، عبدالرحمن، تفسير القرآن العظيم، رياض عربستان، مكتبه نزار المصطفى الباذر، ۱۴۱۹ق.
- ابن عاشور، محمد طاهر، تفسير التحرير و التنوير، بيروت، مؤسسه التاريخ العربى، ۱۴۲۰ق.
- ابن عربى، محمد، تفسير ابن عربى، (تأويلات عبدالرزاق)، بيروت، دار احياء التراث العربى، ۱۴۲۲ق.
- ابن فارس، احمد، معجم مقاييس اللغة، قم، مكتب الاعلام الاسلامى، ۱۴۰۴ق.
- ابن كثير، اسماعيل، تفسير القرآن العظيم، بيروت، دار الكتب العلميه، ۱۴۱۹ق.
- ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، بيروت دار الصادر، ۱۴۰۳ق.
- ابوحيان، محمد، البحر المحيط فى التفسير، بيروت، دار الفكر، ۱۴۲۰ق.
- آلوسى، محمود، روح المعانى فى تفسير القرآن العظيم و السبع المثانى، بيروت، دار الكتب العلميه، ۱۴۱۵ق.
- بحراني، سيد هاشم، البرهان فى تفسير القرآن، نهران، مؤسسه بعثت، ۱۴۱۵ق.
- براك، عبدالرحمن، توضيح مقاصد العقيدة الواسطيه لشيخ الاسلام ابن تيميه، رياض دار التدمريه، بى تا.
- بروسوى، اسماعيل، تفسير روح البيان، بيروت، دار الفكر، بى تا.
- بغدادى، ابوبكر، تاريخ بغداد، بيروت، دار الكتب العلميه، ۱۴۱۷ق.
- بياضوى، عبدالله، انوار التنزيل و اسرار التأويل، بيروت، دار احياء التراث العربى، ۱۴۱۸.
- تركى، عبدالله، الامه الوسط المنهاج النبوى فى الدعوة الى الله، رياض، وزارت الشؤون الاسلاميه والاقاف والدعوة والارشاد، بى تا.
- ثعالبي، عبدالرحمن، الجواهر الحسان فى تفسير القرآن، بيروت، دار احياء التراث العربى، ۱۴۱۸ق.
- ثعلبى، احمد، الكشف و البيان، بيروت، دار احياء التراث العربى، ۱۴۲۲ق.
- جوادى آملى، عبدالله، تسنيم: تفسير قرآن كريم، تحقيق محمد واعظى، قم، اسرا، ۱۳۸۸ق.
- حجازى محمد، محمود، التفسير الواضح، بيروت، دار الجيل الجديد، ۱۴۱۳ق.
- خطيب شريينى، محمد، السراج المنير، بيروت، دار الكتب العلميه، ۱۴۲۵ق.
- راغب اصفهانى، حسين، مفردات الفاظ القرآن، بيروت، دار القلم، ۱۴۱۴ق.
- رشيد رضا، محمد، المنار، بيروت، دار المعرفه، ۱۴۱۴ق.
- زحيلي، وهبه، التفسير الوسيط، دمشق، دار الفكر، ۱۴۲۲ق.

- زمخشری، محمود، *الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل*، بیروت، دارالكتاب العربی، ١٣٩٠ ق.
- سید قطب، *فی ظلال القرآن*، بیروت، دار الشرق، ١٤١٢ ق.
- سیوطی، جلال الدین، *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ١٤٠٤ ق.
- صدوق، محمد، *الامالی*، تهران، کتابچی، ١٣٧٦ ش.
- صلابی، محمد، *الوسطیه فی القرآن الکریم*، بیروت، دار المعرفه، ١٤٢٦ ق.
- طباطبایی، سید محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسه الأعلمی، ١٣٩٠ ق.
- طبری، محمد بن حسن، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، ١٤١٢، بیروت، دار المعرفه.
- طوسی، محمد بن حسن، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- عنایت، غازی حسین، *اسباب النزول القرآنی*، بیروت، دار الجیل، ١٤١١ ق.
- فخر رازی، محمد بن عمر، *التفسیر الکبیر*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ١٤٢٠ ق.
- فیومی، احمد، *المصباح المنیر فی شرح غریب الکبیر*، قم، دار الهجره، ١٤١٤ ق.
- قرطبی، محمد، *الجامع لاحکام القرآن*، تهران، ناصر خسرو، ١٣٦٤ ش.
- قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر القمی*، قم، دار الکتب، ١٣٦٣ ش.
- ماتریدی، محمد، *تفسیر الماتریدی*، بیروت، دار الکتب العلمیه، ١٤٢٦ ق.
- مجلسی، محمدباقر، *بحار الأنوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ١٤٠٣ ق.
- مراغی، احمد مصطفی، *تفسیر المرائی*، بیروت، دارالفکر، بی تا.
- مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، بیروت، دار الکتب العلمیه، ١٤٠٣ ق.
- مقاتل بن سلیمان، *تفسیر مقاتل ابن سلیمان*، محقق عبدالله محمود، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ١٤٢٣ ق.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ١٣٧١ ش.